

کُزِبِرْگ تهرين فمئهی بَطَب « اِسْتَفْعَلُ »

احسان اله کاویان شهرستان بویین میادشت استان اصفهان

مصدر	امر	مضارع	ماضی
اِسْتَفْعَالُ	اِسْتَفْعِلْ	يَسْتَفْعِلُ	اِسْتَفْعَلَ
.....	اِسْتَخْدَمَ
.....	به خدمت گرفت
.....	يَسْتَنْشِقُ
.....	می بوید
.....	اِسْتَقْبِلْ
.....	دیدار کن
اِسْتِفْهَامُ
پرسیدن
.....	اِسْتَقْرِرْ
.....	بر قرار کن
.....	يَسْتَدِلُّ
.....	دلیل می آورد
.....	اِسْتَعْلَمَ
.....	آگاهی خواست
.....	يَسْتَحْضِرُ
.....	به حضور خواست
.....	اِسْتَعْمِرْ
.....	آبادانی بخواه
اِسْتِشْهَادُ
گواهی خواستن

کُزبرگ تهرين فمئهی بَاب « اِفْتِئَالُ »

احسان اله کاویان شهرستان بویین میادشت استان اصفهان

ماضی	مضارع	امر	مصدر
اِفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعِلْ	اِفْتِئَالٌ
.....	اِكْتِشَافٌ
.....	كشف کردن
.....	اِعْتَرَضْ
.....	اعتراض کن
.....	يَقْتَبِسُ
.....	می گیرد
.....	اِعْتَبَرَ
.....	پند گرفت
.....	يَخْتَرِعُ
.....	اختراع می کند
.....	اِلْتَمَسْ
.....	خواهش کن
.....	اِفْتِخَارٌ
.....	فخر کردن
.....	اِحْتَرَمْ
.....	حرمت گذار
.....	يَحْتَرِقُ
.....	آتش می گیرد
.....	اِنْتَخَبَ
.....	انتخاب کرد

کتابریگ تهرین فمئهی بَاب « اِنْفِعالُ »

احسان اله کاویانہ شہرستان بویین میاندشت استان اصفهان

مصدر	امر	مضارع	ماضی
اِنْفِعالُ	اِنْفَعِلْ	يَنْفَعِلُ	اِنْفَعَلَ
.....	اِنْقَلَبَ
.....	دگرگون شد
.....	يَنْطَبِقُ
.....	یکسان می شود
.....	اِنْحَصِرْ
.....	محدود شو
اِنْحِرَافُ
منحرف شدن
.....	اِنْفَرِدْ
.....	تنها شو
.....	يَنْفَجِرُ
.....	منفجر می شود
.....	اِنزَجَرَ
.....	بیزار شد
.....	يَنْبَسِطُ
.....	باز می شود
.....	اِنْقِیْضُ
.....	گرفته شو
اِنْقِرَاضُ
نابود شدن

کُرْبَرِگ تهرین فمئھائی بَاب « تَفَعَّلُ »

احسان اله کاویانہ شھرستان بویین میادشت استان اصفهان

مصدر	امر	مضارع	ماضی
تَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَ
تَبَحَّرُ
مہارت داشتن
.....	تَقَدَّمَ
.....	پیشرفت کن
.....	يَتَشَكَّلُ
.....	شکل می گیرد
.....	تَسَلَّطَ
.....	چیره شد
.....	يَتَمَلَّكُ
.....	مالک می شود
.....	تَخْرَجُ
.....	دانش آموخته شو
تَضَرَّعُ
التماس کردن
.....	تَصَوَّرَ
.....	بپندار
.....	يَتَمَلَّقُ
.....	چاپلوسی می کند
.....	تَأَمَّلَ
.....	اندیشه کرد